

عنوان:

شناسایی جایگاه و نقش تسهیل‌گران در ارتقا آگاهی و مشارکت زنان و دختران
روستائی

نویسنده گان:

فاطمه عسگریان دهکردی
سیده فاطمه میری
دکتر بهمن خسروی پور

چکیده

رسیدن به خودکفایی، استقلال و توسعه ی پایدار روستایی و توسعه کشاورزی، مستلزم مشارکت اقشار مختلف جامعه در فعالیت های اقتصادی (تولیدی)، اجتماعی و فرهنگی است. از آن جا که زنان و به ویژه زنان و دختران روستایی درصد قابل توجهی (بیش تر از نیمی) از نیرو های فعال جامعه را به خصوص در بخش روستایی و کشاورزی تشکیل می دهند، مشارکت آنان در عرصه ی تولیدات و فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، اهمیت فوق العاده ای را دارا می باشد. از طرفی، دختران جوان روستایی همان زنان آینده ی جامعه ی روستایی می باشند که چنین نقش ارزنده ای را ایفا خواهند کرد و برای ایفای نقش خود در جنبه های مختلف نیاز به آگاهی، دانش، اطلاعات و مهارت دارند، لازم است برای دستیابی آنان به این توانایی ها برنامه ریزی های لازم و مناسب انجام شود. یکی از این برنامه ریزی ها و کارهای انجام شده، استفاده از زنان و دختران تسهیل گر روستایی است که در این میان نقش مهمی را در زمینه افزایش آگاهی و مشارکت آنان ایفا می کند. این مقاله به روش کتابخانه ای و با استفاده از کتب، مجلات و سایر اسناد مکتوب و همچنین سایت های فارسی و لاتین تدوین شده است و تلاش دارد ضمن معرفی جایگاه و نقش مهم تسهیلگران در روستا به عنوان پیشگامان نهادینه شدن خود اتکایی و توسعه روستایی، به اهمیت و نقش زنان تسهیلگر روستایی و افزایش میزان مشارکت آنان در برنامه های توسعه ای پرداخته و در خاتمه راهکارهای لازم جهت ورود آنان در این عرصه را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: تسهیلگران، مشارکت، زنان روستایی

مقدمه

نقش فعال زنان روستایی در توسعه روستا بسیار مشهود است. همان طور که گفته شد زنان روستایی ایران همانند سایر نقاط دنیا دارای سهم چشمگیری در تولید مواد غذایی و فرآوری محصولات کشاورزی هستند (بنکدار و هاشمی، ۱۳۸۶). اعتقاد به رشد و تعالی انسان ها به عنوان هدف نهایی توسعه، مشارکت واقعی یعنی خود برنامه ریزی و خود توسعه ای را طلب می کند و در این راستا، مشارکت به عنوان حق انتخاب و تصمیم گیری افراد برای سرنوشت خودشان مطرح می شود. مشارکت به این مفهوم یعنی آغاز خود توسعه ای هر فرد و هر جامعه، در هر موقعیت و سطحی که هستند. مشارکت در اینجا پروسه تسهیل توسعه انسانی است تا ابزار توسعه اقتصادی. مشارکت به این مفهوم به وسیله انتقال دانش و به صورت یک طرفه شکل نمی گیرد، بلکه یک روند خود باوری و توانمندی است که افراد در جریان عمل و تصمیم گیری به آن می رسند. در این فراگرد افراد به عنوان فاعل و سازنده زندگی خود مطرح هستند تا موضوع تصمیم دیگران (بی نام، ۱۳۸۶).

یکی از روش های افزایش مشارکت زنان سوق دادن آن ها به سمت ایجاد گروه ها و تیم های مستقل است تا بتوانند از مزایای تشکل ها و قدرت حاصل از آن برای بهبود وضعیت خود استفاده کنند. این امر با ارائه ارتباط و آموزش های ترویجی در هر منطقه با توجه به شرایط زنان باید صورت پذیرد و البته هیچ الگوی آماده و یکنواختی برای همه مکان ها وجود ندارد (سوانسون و دیگران، ۱۳۸۱). وضعیت فرهنگی در روستاها به صورتی است که تنها زنان با زنان می توانند ارتباط برقرار کنند از طرفی تعداد کم پرسنل مراکز توان پاسخگویی به مشکلات را ندارد در این میان استفاده از تسهیلگران و مروجان زن می تواند بهترین راهکار باشد. این افراد به صورت پیشرو آمدگی دریافت و تحلیل و پذیرش و انتقال پیام های جدید ترویجی را دارند و از این رو می توانند نهادهای مستقل و خود اتکای زنان را ایجاد و نقش های سازنده آن را بر عهده گیرند. زنان روستایی که نقش مروج یا تسهیلگر را دارند با داشتن رابطه متقابل و فعالیت های مشترک با سایر زنان روستایی زنجیره ای از روابط اجتماعی و کانال های ارتباط قوی را ایجاد می کنند که می توان برای تقویت اعتماد به نفس و خود باوری و خود اتکایی از آن ها استفاده کرد و در نتیجه آن برخی باورهای کلیشه ای را تغییر داد و ارزش ها و هنجارهای نو را جایگزین آن ساخت در چنین اوضاعی ایجاد ارتباط و سازمان دهی مشارکت مردمی در گروه های زنان اولویت اصلی کار مروجان محلی محسوب می شود. آن هادر حقیقت نقش تسهیلگری و برنامه ریزی را برای تسریع در روند توسعه روستایی برعهده دارند (حاجیلو و همکاران، ۱۳۸۶).

سامعی پور نیز به نقل از خانی، می نویسد: زنان همچنین نقشی اساسی در ممانعت از فقر مطلق خانوار های روستایی دارند اما از این طریق، خانوار های روستایی در چرخه ای بسته به زندگی باکیفیت نازل خود ادامه داده و تنها امکان بقا می یابند. به عبارت دیگر، اگرچه زنان در درآمد خانوار تأثیرگذار هستند، اما نقش تعیین کننده ندارند (شاهرودی و همکاران، ۱۳۸۵).

تعریف مفاهیم

زنان تسهیلگر روستایی: زنان روستایی پیشرو که با ایجاد تعامل قوی با سایر زنان، پل ارتباطی میان دانش بومی و پیام های ترویجی بین کارشناسان ترویج و زنان روستایی به شمار می روند و نقش اصلی آن ها ظرفیت سازی برای زنان به منظور ایجاد حرکت های گروهی مستقل و خود اتکا است.

تسهیلگر موفق: کسی که توانسته است با فعالیت مستمر خود زنان روستایی را جهت انجام فعالیت های تیمی به حرکت در آورد و آنان را برای انجام کارهای مشارکتی در قالب گروه های مستقل سازمان دهی نماید.

اهمیت و ضرورت توانمندسازی زنان

در برنامه های توسعه انسانی جهان سوم شاهد آن هستیم که همواره شهرها نسبت به روستاها و ثروتمندان نسبت به فقیران و مردان نسبت به زنان سهم بیشتری از رشد شاخص توسعه انسانی و بهره گیری از آن داشته اند. بنا بر تحقیقات فائو بیش از ۷۵٪ از جمعیت فقیرترین کشورهای جهان که قریب به یک میلیارد نفر می باشند در مناطق روستایی زندگی می کنند، و آن در حالی است که ۷۰٪ از جمعیت فقیر جهان را زنان تشکیل می دهند و در مجموع ۳/۴ مرگ و میرهای ناشی از فقر مالی و غذایی متوجه زنان و دختران است و چهره فقر بیش از آن که روستایی باشد، زنانه است، زیرا زنان فقیر شهرنشین نیز همانند مهاجران در مانده ی دیروز روستاها هستند. سازمان ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۵ میلادی خود را در باب توسعه انسانی، جامعه جهانی را به دلیل بی عدالتی هایی که در زمینه اقتصادی - اجتماعی در مورد زنان صورت می گیرد مورد سرزنش قرار داده است. این موانع زنان را از طی نمودن مسیر تواناسازی در جهت کارآفرینی و ظهور استعدادهای بالقوه ایشان و به کارگیری آن ها در راستای زندگی جامعه باز می دارد. متخصصان دریافته اند که علل فقر و ناتوانی اقتصادی زنان را نباید در درون آن ها جستجو کرد. اگر زنان روستایی دچار فقر اقتصادی و اجتماعی هستند، دلیل آن این نیست که دسترسی کافی به مدرسه، شغل و درآمد مناسب و پایگاه اقتصادی - اجتماعی شایسته ندارند و حتی از سهم منصفانه ای از دریافت خدمات عمومی هم برخوردار نیستند. جایگاه هر انسانی قبل از زاده شدن در جامعه مشخص می شود. توانمندسازی زنان از آن جهت مهم است که مورد نیاز جامعه است، زنان در طول تاریخ به عنوان افرادی که توانمندی ندارند و صرفاً برای یکسری وظایف مشخص، ثابت و سنتی مناسب هستند، نگریسته شده اند زنان خودشان به دلیل تثبیت و تقویت نگرش های مرسوم در طول زمان بسیار تضعیف شده اند. تغییر قالب شخصی تحمیلی زنان نیاز به حمایت همه جانبه دولت و برنامه ریزان از یک سو و آموزش همه مردم جهت پذیرش توانمندسازی زنان از سوی دیگر دارد. تیم کندی به عنوان پرچم دار مقوله توانمند سازی معتقد است که مردم سزاوار و دارای حق اظهار نظر در قبال رفاه و آینده زندگی خویش می باشند و این امر همان آزادی فرد در انتخاب راه خود و دخالت در سرنوشت خود است یک نفر برای جمع تصمیم نمی گیرد بلکه این جمع است که برنامه خویش را تنظیم می کند و هر کدام از این جمع نیز می تواند راه خود را تعیین کند(بنکدار و هاشمی، ۱۳۸۶).

زن و توسعه

به عقیده بعضی صاحب نظران، نیروی انسانی یکی از منابع اصلی توسعه است و زنان تنها نیمی از این منبع توسعه هستند، بلکه از دیر باز پرورش دهنده و هدایت کننده نیمه دیگر این منبع هم بوده اند و خواه ناخواه، آنان در پی ریزی ابعاد انسانی توسعه، نقش اساسی بر عهده دارند، پس زنان هم مانند مردان باید تصمیم گیرنده باشند و در برنامه های مربوط به رفع نیازهای اساسی بشر، مورد توجه قرار گیرند. از سوی دیگر باید برای توانایی و مشارکت آنان در فرآیند فعالیت های توسعه ای و آموزشی برنامه ریزی شود. توسعه، هیچ گاه جریانی بی طرف نبوده است و از این رو، همواره و از جهات بسیار، زنان را مورد غفلت قرار داده و به آن ها آسیب وارد کرده است. با آن که سازمان ملل متحد دهه های ۶۰ و ۷۰ را دهه های توسعه اعلام کرد، اما باید گفت که ما هنوز هم با آمارهای ضد توسعه ای غم انگیزی رو به رو هستیم، مثلاً: ۶۷ درصد ساعت کار جهان به زنان تعلق دارد، ۱۰ درصد درآمد جهان را زنان به دست می آورند، دوسوم بی سوادان جهان را زنان تشکیل می دهند و بالاخره زنان کمتر از یک درصد از دارایی جهان را در اختیار دارند. (کمالی، ۱۳۸۵).

تسهیل گران

در نظام های مرسوم ترویج که برنامه ها عموماً از بالا به پائین طراحی می شود، خود کارگزاران ترویج هم دارای سلسله مراتب هستند و نیروهای سطوح بالا نقش هدایت، راهنما و کنترل را بر عهده دارند و نیروهای میدانی عموماً گوش به فرمان نیروهای بالاتر هستند و خود را متعهد به سطوح بالاتر می بینند تا اینکه جوابگوی مردم باشند. بیشتر فعالیت مروجان انتقال اطلاعات و فناوری از مراکز به سطح محلی است. در این سیستم نقش اصلی بر دوش کارگزاران ترویج است. اگر بناست که یک نظام «تسهیلگر» به جای «ترویج گر» جایگزین گردد، اولین چیزی که باید تغییر بکند نقش مروجان است و آن نقش باید از یک ارتباط یک سویه عمودی تبدیل به یک ارتباط دو سویه موازی گردد. اگر چنین نقش جدیدی شکل گیرد، فصل مشترک سازمان ترویج و بهره برداران نیز باید تغییر نماید به نقل از کمالی بانج معتقد است تسهیل کننده ایده آل باید خصلت های زیر را دارا باشد: انگیزه کمک به دیگران، دانش خوب فنی، توانایی تدریس دیگران، شوق و علاقه، اعتقاد، شخصیت اجتماعی، تسهیلگران رهبران محلی هستند که توان بالقوه مردم را در جهت مشارکت اجتماعی به فعل می نشانند. براین اساس شناسایی تسهیلگران و سپس تجهیز و سازمان دهی آنان توسط نهادهای سازمانی درگیر می تواند یکی از عوامل اثربخش در برنامه ریزی توسعه روستایی باشد. اما از مهم ترین شرایط چنین برنامه ریزی آن است که مداخله ی مردم در تصمیم گیری و برنامه ریزی جهت سازندگی اجتماع خویش مدنظر برنامه ریزان روستایی قرار گیرد. تسهیل گران می توانند زمینه های ایجاد تشکل های اقتصادی و اجتماعی را میان مردم ایجاد کنند اما نباید از نظر دور داشت که رمز موفقیت تسهیلگران در میزان مقبولیت آنان از سوی مردم نهفته است به معنی دیگر تسهیلگر باید به عنوان نماینده ی مردم از سوی آن ها انتخاب شود به این ترتیب مردم نه تنها او را می شناسد بلکه انگیزه ی ایجاد ارتباط و همکاری با وی را نیز می یابند (دفتر امور زنان، ۱۳۷۹).

چگونگی پیدایش مفهوم تسهیل گری

هوگان^۱، (۲۰۰۲) می نویسد: واژه ی تسهیل گر اولین بار به معرفی "حلقه ی کیفی" در غرب، در اواخر دهه ی هفتاد معنا یافت. رובسون و بری^۲ در انگلستان وقت و انرژی خود را برای جنبش حلقه های کیفی صرف کردند. آن ها تسهیل گران را به منزله ی کارگزاران تغییر می دانستند که متناسب با سطح مهارت و منشی که در پیش گرفته اند، در جهت توسعه و بهبود عملکرد افراد، گروه ها و سازمان ها کمک می کنند. هوگان معتقد است که چنین تسهیل گرانی کنش یاران تغییر اند، اما لزوماً محرکان تغییر به شمار نمی روند.

روبنسن و بری (۱۹۹۵)، معتقدند که حلقه های کیفی، راهکاری برای تشویق دخالت نیروی کار در حل مساله و پیشرفت می باشد. در این روش، گروه های کارگرانی که برای یک سرپرست یا مدیر رده اول کار می کردند، به طور داوطلبانه در هر هفته برای شناسایی و تجزیه و تحلیل و حل مساله ی مرتبط با کار تشکیل جلسه می دادند. به زودی حمایت از حلقه های کیفی آشکار شد. اما متأسفانه آموزش ضعیف یا فقدان تسهیل گری و مهارت های ضروری آن، بعد ها موجب بی سامانی حلقه های کیفی سازمان ها شد. با تداوم چنین وضعیتی سازمان های دارای حلقه های کیفی به انتقاد و شماتت از این رهیافت (مشارکتی) روی آوردند و به جای آن که به چگونگی بی میلی خود نسبت به اشاعه و پایداری این رهیافت پی ببرند، مدعی شدند که از رهیافت مزبور هیچ کاری ساخته نیست. در حالی که کارایی این رهیافت مستلزم مراعات چند شرط است:

۱ - Hogan

۲ - Robsen & Beary

(۱) این رهیافت با مهارت و توجه کافی معرفی شود.

(۲) از تسهیل گران آموزش دیده برای پشتیبانی از گروه هایی که در مسیر خود کفایی خویش فعالیت می کنند، استفاده شود.

روند مدیریتی به صورت فعال و آشکارا علی رغم گذشت زمان به این رهیافت مقید بماند. " ادگار شین " از کسانی است که در خصوص نقش مشاوران یا به عبارت دیگر تسهیل گران بیرونی در ساختار های اجتماعی تحقیق نموده است. وی اندیشه ی مشاوره ی فرآیندی را به عنوان راهی برای ایجاد حس تعلق فراوان نسبت به راه حل ها در میان دریافت کنندگان این مشاوره ها مطرح ساخت. او بین سه گونه ی مشاوره یعنی مشاوره ی کارشناسی، مشاوره ی پزشک به بیمار و مشاوره ی فرآیند تمایز قائل شد. در مشاوره ی کارشناسی، مشاور پاسخ دقیقی را به مشتری ارائه می کند. در مشاوره ی پزشک به بیمار، قبل از معالجه، بیماری تشخیص داده می شود. در حالی که در مشاوره ی فرآیند فرض بر آن است که ارباب رجوع برای رفع مشکل راه حلی دارد، اما از آن بی خبر است و یا نمی داند که چگونه به آن دست یابد (زرنگار، ۱۳۸۵).

مبانی نظری تسهیلگری

رسیدن به خود کفایی، استقلال و توسعه یابدار مستلزم مشارکت اقشار جامعه در فعالیت های اقتصادی (تولیدی)، اجتماعی و فرهنگی است. از آن جا که زنان و به ویژه زنان روستایی درصد قابل توجهی از نیروی فعال جامعه را تشکیل می دهند، مشارکت آنان در عرصه ی تولیدات و فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، اهمیت فوق العاده ای دارد. همچنین از طرفی چون دختران جوان روستایی همان زنان آینده ی جامعه ی روستایی می باشند که چنین نقش ارزنده ای را ایفا خواهند کرد و برای ایفای نقش های خود در جنبه های مختلف نیاز به آگاهی، دانش و مهارت دارند، لازم است برای دستیابی آنان به این توانایی ها، برنامه ریزی هایی انجام شود. یکی از برنامه ریزی ها و کار های لازم برای افزایش آگاهی، دانش و مهارت و کارایی دختران جوان، آموزش است، زیرا با آموزش می توان از یک سو دانسته ها و اندوخته های قبلی آنان را تقویت کرد و از سوی دیگر آن ها را با دستاورد های جدید علمی و فنی آشنا ساخت. آموزش باعث انتقال تجربیات، یافته ها و دست آورد های جدید به دختران جوان این قشر مؤثر آینده شده و با داشتن زنان و مادران آگاه، ماهر و توانمند و مشارکت دادن آن ها در فعالیت های روستایی می توان به توسعه ی روستایی رسید و دارای کشوری مستقل و خودکفا شد (کوهساریان و همکاران، ۱۳۷۶).

پاپیلی یزدی، (۱۳۸۵) می نویسد: " در تاریخچه ی علم ترویج به انواع نظام هایی بر خورد می کنیم که به آن ها مدل یا سیستم اطلاق می شود مانند: سیستم استعماری نظام ترویج، سیستم لندن- گرن- کالج، سیستم کلاسیک و نوع دیگری که از آن به عنوان مدل دو طرفه ی افکار یاد می شود. هدف اصلی این مدل برآورد نیاز های انسانی است. ساختار اداری مدل دو طرفه انعطاف پذیری بالایی دارد و رابطه ی بین مروج و روستایی دوستانه است. زارعان فقیر و خرده مالکان از مهم ترین ارباب رجوع های مدل دو طرفه هستند". بنابراین، منابع اصلی در نظام ترویج، نیروی انسانی آن است. بسیج مردم، سازمان دهی آنان کمک به آن ها در زمینه ی تعیین اولویت ها و تنظیم برنامه ی کاری، ایجاد دسترسی به تسهیلات و منابع و کمک به آن ها در اجرای برنامه هایشان در این نظام اهمیت زیادی پیدا می کند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳).

بر قراری ارتباط دو سویه با روستاییان، راه عملی ساختن این فرآیند است. در این راستا، برقراری ارتباط با رهبران محلی مورد توجه نظام ترویج قرار دارد. در کلیه ی جوامع، افرادی وجود دارند که مردم به عقاید آنان بیشتر توجه می

کنند، اظهار نظر آن ها در انجام کارها ضروری است و نقش عمده ای در تصمیم گیری ها بر عهده دارند. آن ها افرادی صاحب نفوذ و دارای اقتدار هستند که در حقیقت نماینده ی فکری مردم و به عبارت دیگر رهبر محلی آنان هستند (حاجیلو و همکاران، ۱۳۸۶).

سوانسون و همکاران (۱۳۸۱) معتقدند که اگر چه رهبران محلی اغلب توسط مردم انتخاب می گردند، شاخص می شوند، مورد تأیید قرار می گیرند و سپس به عنوان رهبر فنی یا اجتماعی با پیروان ارتباط برقرار می کنند اما کسانی هم وجود دارند که شخصاً برای ایفای نقش رهبری، داوطلب می شوند. آن ها زود تر از بقیه به استقبال برنامه های آموزشی و ترویجی می روند و مفاهیم آن را سریع تر درک می کنند و بنابراین، در گسترش ایده های نو نقش مؤثری در جامعه ی خود ایفا می کنند. از این رو آنان می توانند نقش مروج را به خوبی پذیرا شوند.

آدامز (۱۳۷۸) در انتخاب و به کار گیری مروجان سه نکته را مد نظر قرار می دهد: جایگاه تشکیلاتی، قابلیت های آموزشی و کیفیت های شخصی. او معتقد است که توانایی برقراری ارتباط با کشاورزان، توانایی همراهی با مردم و تمایل به انجام کار، ابتکار و احساس مردمی از قابلیت های ضروری برای ترویج است. باید همواره به این نکته توجه کرد که نشر نوآوری به شیوه های مختلف آموزشی، برگزاری جلسات مشکل یابی و مشکل گشایی، اقدام بر پایه ی فرهنگ محلی و انتخاب رهبر محلی توسط مردم از جمله عوامل تأثیرگذار در موفقیت مروجین محلی به شمار می رود. آزادی مردم در انتخاب رهبران شان اصل مهمی در توسعه و تحرک اجتماعی است. مردم از بین خود کسی را بر می گزینند که نیاز هایشان را تبیین کند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳).

در ایران، استفاده از نیرو های محلی به صورت رسمی و سازماندهی شده پس از اجرای طرح بهورزان در امور بهداشت و درمان، به ترویج کشاورزی بسط داده شد. مسئله ی بکار گیری نیرو های محلی با توجه به اهداف و برنامه های هریک از دو وزارت جهاد سازندگی و کشاورزی سابق مورد توجه قرار گرفت و افراد محلی تحت عناوین مختلفی نظیر مروجین کشاورزی، مددکاران ترویجی، نیرو های معین و مروجین محلی مورد استفاده قرار گرفتند (حاجیلو و همکاران، ۱۳۸۶).

زنان روستایی با وجود نقش عمده ای که در اقتصاد روستایی دارند، از خدمات کمتری بهره مند می شوند. با وجود تلاش های جهانی برای وادار کردن زنان روستایی در جریان توسعه ی روستایی به طور اعم و توسعه ی کشاورزی به طور اخص، هنوز این گروه در جهت ایفای کامل نقش خود با مسائل و مشکلات و موانع گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند. بخشی از این مسائل و مشکلات و موانع در زمینه ی آموزش رسمی و غیر رسمی برای گروه مطرح است که خود عاملی جهت عدم آگاهی و توانمندی آنان در خصوص وظایفی است که عهده دار آن هستند (معاونت ترویج و مشارکت مردمی، ۱۳۷۸).

تجربه ی موفقیت آمیز ترویج در امر تربیت و به کار گیری نیرو های بومی و رهبران محلی روستایی در وزارت جهاد کشاورزی باعث شد که با توجه به گستردگی، اهمیت و تعدد نقش زنان در زندگی روستایی، انتخاب و تربیت مروجین زن برای ایجاد مهارت و توانمندسازی آنان در فرآیند توسعه ی مشارکتی پیشنهاد و اجرا شود. در این طرح مروج زن از بین افراد بومی انتخاب می گردد تا در برگزاری فعالیت های آموزشی و ترویجی، انتقال تجربیات و سازماندهی برنامه های ویژه ی زنان همکاری کنند (حاجیلو و همکاران، ۱۳۸۶).

زنان تسهیل گر روستایی

ایجاد تحول در جامعه ی روستایی قبل از هر چیز به عمل و عکس العمل و فعل و انفعالات انسانی بستگی دارد. بدین منظور مشارکت روستاییان در امور مربوط به توسعه ی روستایی به عنوان تبلور عینی رفتار های مطلوب انسانی

مطرح است. اما مشارکت نهالی است که به سادگی در محیط های انسانی رشد نمی کند و این امر نیازمند انگیزه های قوی می باشد. در ترویج که مکتبی انگیزشی - آموزشی است از انگیزش به منظور توفیق در جلب مشارکت و جذب روستاییان به برنامه ها استفاده می شود (بی نام، ۱۳۸۶).

توجه به روند توسعه ی علوم و فنون و جهش سریع فن آوری و در نهایت ضرورت رسیدن به هدف های توسعه و خود کفایی و همچنین عنایت به وضعیت نامناسب اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی، اهمیت رسیدگی همه جانبه و اجرای برنامه های آموزشی - ترویجی را برای آنان به صورتی بسیار مهم و ضروری جلوه گر ساخته است. فلسفه، هدف و اصول ترویج همچنین عملکرد بیشتر سازمان های ترویجی در گذشته و حال مؤید این نکته است که تمامی اقشار روستایی باید به صورت یکسان مورد توجه قرار گیرند (بی نام، ۱۳۸۶).

این نکته بسیار مهم است که مروج اهداف گسترده ی ترویج و سهمی را که برعهده ی اوست درک کند. برقراری تماس و آموزش های ترویجی از طریق کارشناسان برای آشنا کردن مروجین با موضوعات جدید و نشر و نوآوری ها از جمله عوامل مؤثر در عملکرد مروجان است (حاجیلو، ۱۳۸۴).

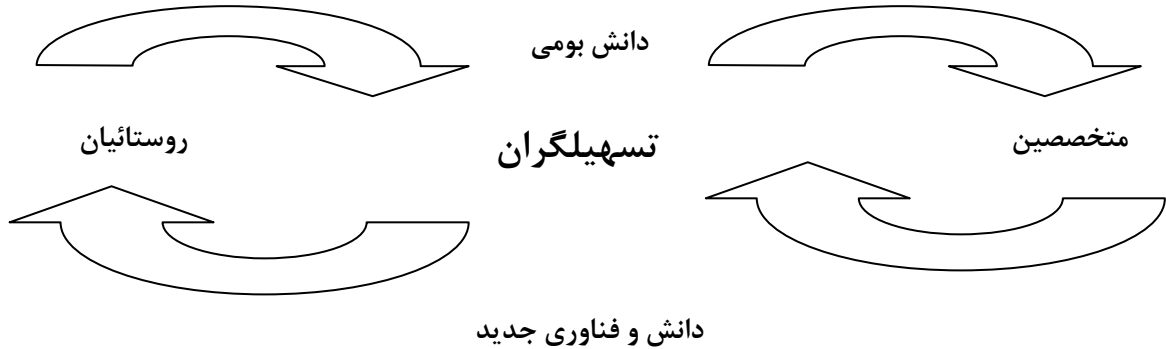
بنابر این، فعال سازی گروه های زنان به عنوان یک نظام اجتماعی در ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی در روستا نقش مهمی را ایفا می نماید (حاجیلو، ۱۳۸۴). حضور در این گروه ها ابتدا باعث کم رنگ شدن نگرش های منفی و باورهای کلیشه ای حاکم بر فرهنگ روستا می شود و در گام های بعدی با افزایش خوداتکایی و اعتماد به نفس زنان، به آن ها فرصت مناسبی برای شرکت در ساختار های مهم تر زندگی اجتماعی و اقتصادی در روستا می دهد (حاجیلو و همکاران، ۱۳۸۶). لوین^۳ با انتخاب کلمه ی فیلد (پهنه، میدان) رفتار انسانی را تابع ویژگی های شخصی و خصوصیات محیطی می داند و معتقد است رفتار هر شخص تابع شرایط زمانی و مکانی است که در آن زندگی می کند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵). موفقیت تسهیل گران نیز به عنوان نوعی رفتار، تابع شرایط است و عوامل مؤثر بر آن را می توان در قالب عوامل شخصی و محیطی بررسی کرد. سازماندهی تسهیل گران با توجه به عوامل مؤثر در کار آنان از ضرورت های برنامه ریزی در فرآیند توسعه ی مشارکتی به شمار می رود (حاجیلو، ۱۳۸۴).

نقش زنان روستایی و کشاورزی در برنامه های توسعه

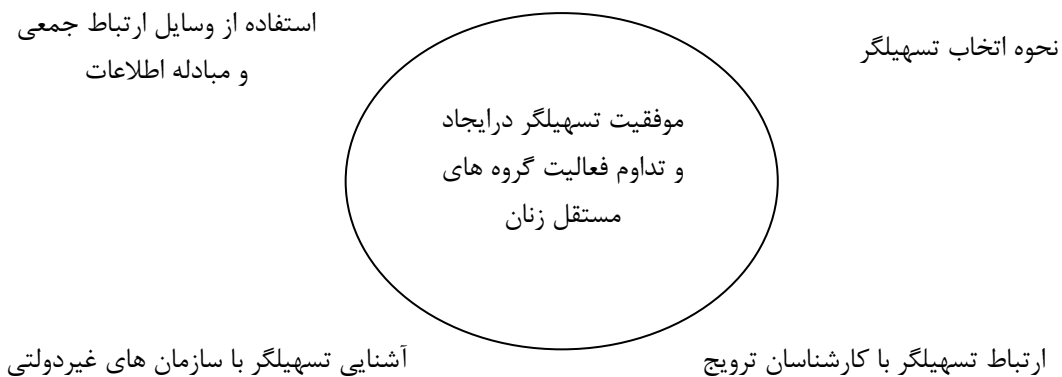
در کشور ما، بخش کشاورزی، یکی از تواناترین بخش های اقتصادی کشور است که حدود یک سوم اشتغال، بیش از چهار پنجم نیازهای غذایی کشور، نیمی از صادرات غیر نفتی، نه دهم نیاز صنایع به محصولات کشاورزی و یک پنجم تولید ناخالص داخلی کشور را تامین می کند. تولیدات این بخش حاصل کار ۲/۴ میلیون خانوار روستایی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). زنان روستایی به عنوان رکن اساسی این بخش، همیشه مطرح بوده اند و ساختار اقتصادی خانواده بدون حضور فعال آنان نمی تواند پایداری داشته باشد. مشارکت زنان روستایی در فعالیت های اقتصادی، واقعیتی انکار ناپذیر است و تاخیر تحولات فرهنگی و اجتماعی، موجب شده که نقش تعیین کننده آنان در جامعه و در فرآیند توسعه روستایی کشور، همانند اغلب کشورهای در حال توسعه پنهان بماند و همین موضوع، یعنی عدم شفافیت نقش اساسی زنان روستایی در تولیدات بخش کشاورزی، موجب برخورداری بسیار کم آنان از برنامه های توسعه و مشارکت نداشتن در فرآیند توسعه شده است. متأسفانه با تعریف مرکز آمار ایران از اشتغال، اصولاً زنان روستایی و کشاورزی در آمارها شمارش نمی شوند، زیرا تعریف کار از دید مرکز آمار ایران یعنی؛ «اگر فعالیتی برای کسب درآمد صورت گرفته باشد، کار نامیده می شود» (شادی طلب، ۱۳۸۱).

زنان مروج روستایی و تسهیلگری

برای افزایش توانمندی زنان مروج بر مبنای استفاده از تجربیات طرح «الگوسازی تسهیل ارتباط دو سویه مروجین روستایی» در انتخاب مروجین زن روستایی، بازنگری انجام شد (کمالی، ۱۳۸۰). استفاده از واژه تسهیلگر در امر ترویج و توسعه برای زنان روستایی رونق گرفت. به این ترتیب، اولاً انتخاب مروج توسط خود زنان روستایی انجام می شود و ثانیاً بر ایجاد ارتباط و مشارکت بین متخصصین و زنان روستایی از طریق مروجین تاکید می گردد. در حقیقت، در این شیوه مروجین پل ارتباطی بین زنان روستایی و متخصصین می شوند و نقش تسهیلگر را در ایجاد ارتباط و برنامه ریزی برای تسریع در روند توسعه روستایی با شیوه های نوین ایفا می کنند.



توجه به مفاهیم اصلی مطرح شده، صرف نظر از طرح ها و شیوه های انتخاب و کار با تسهیلگران بیانگران است که به طور کلی تسهیلگران، در فرآیند توسعه نقش برانگیختن فکر و انگیزش مردم را دارند، آن ها را گردهم می آورند تا توسعه مشارکتی اتفاق بیافتد. آن ها در توسعه محلی نقش کمک به تشخیص نیازها و تعیین اولویت ها توسط روستائیان را با توجه به دانش بومی ایفای کنند (حاجیلو، ۱۳۸۴). عربیون اعتقاد دارد که «استقرار تسهیلگران در روستاهای پیشگام زمینه مساعد نهادینه شدن خود اتکایی و نوآوری در توسعه همه جانبه محلی را فراهم می کند.» (عربیون ۱۳۸۵). «لوین با انتخاب کلمه فیلد (میدان) رفتار انسانی را تابع ویژگی های شخصی و خصوصیات محیطی می داند و معتقد است رفتار هر شخص تابع شرایط زمانی و مکانی است که در آن زندگی می کند.» موفقیت تسهیلگران نیز به عنوان نوعی رفتار، تابع شرایط است و عوامل موثر بر آن را می توان در قالب عوامل شخصی و محیطی بررسی کرد (حاجیلو، ۱۳۸۴). سازمان دهی تسهیلگران با توجه به عوامل موثر در کار آنان از ضرورت های برنامه ریزی در فرآیند توسعه مشارکتی به شمار می رود. از آن جا که عوامل موثر نه تعدادشان مشخص است و نه قدرت تاثیرشان، و حتی با فرض مشخص بودن امکان بررسی همه ی آن ها در یک زمان با فنون استاندارد روش تحقیق وجود ندارد.



نتیجه گیری

دستیابی به توسعه ی واقعی و پایدار، بدون مشارکت مردمی امکان پذیر نیست و با توجه به این که دختران و زنان روستایی حق دارند که در سرنوشت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش شریک باشند، لذا مشارکت آنان در انتخاب تسهیل گر روستایشان از اهمیت بسزایی برخوردار است. در رویکردهای نوین ترویج برای توسعه روستایی، ایجاد تشکل ها و گروه های مستقل زنان بر مبنای فعالیت تسهیلگران زن به عنوان یکی از راه های بهره مندی زنان روستایی از شاخص های توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس، پژوهش حاضر عوامل موثر بر افزایش یا کاهش موفقیت تسهیلگران زن را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج بررسی متغیرهای پژوهش نشان می دهد که علی رغم اینکه انتخاب تسهیلگر به شیوه های مختلفی در مناطق مختلف صورت می پذیرد، چنانچه فرد منتخب مورد پذیرش اکثریت زنان باشد، از حمایت آنان برخوردار می شود، و در برقراری ارتباط با سایر زنان و انجام فعالیت های خود به موفقیت دست می یابد، و نسبت آشنایی او با سایر زنان روستایی در این زمینه تاثیری ندارد. از این رو آشنایی با موضوع، اصول و عملکرد سازمان های غیر دولتی در ایجاد انگیزه و الگودهی به تسهیلگران جهت ایجاد و تداوم فعالیت گروهی زنان روستایی تاثیر گذار است. آشنایی از طریق آموزش های ترویجی علاوه بر اینکه موجب شناخت صحیح سازمان ها می شود این امکان را فراهم می کند که براساس اصول آموخته شده در دوره های ترویجی برای تشخیص نیازهای واقعی در روستا و برنامه ریزی برای رفع آن با توجه به امکانات و شرایط جامعه روستایی اقداماتی صورت پذیرد و گروه های مستقل زنان نیز در این راستا سازمان دهی شوند و فعالیت نمایند. تسهیلگران پس از آشنا شدن با مفهوم، اهداف و نحوه فعالیت این سازمان ها به انجام فعالیت های مشابه تمایل می یابند و این مسئله بر میزان توفیق آن ها در ایجاد گروه های مستقل زنان و اتخاذ سیاست هایی برای تداوم فعالیت گروهی زنان در روستا تاثیر می گذارد. این نکته نیز مهم است که داوطلبانه بودن این نوع فعالیت گروهی، کاربرد فناوری های ارزان قیمت، ارائه خدمت ساده و بی پیرایه، و استفاده از کارکنان کم هزینه از جمله ویژگی هایی است که تشکیل این گروه ها را برای فعالیت زنان روستایی موجه می سازد.

پیشنهادها

- * تسهیلگران به هر شکلی که انتخاب می شوند باید همواره مورد پذیرش سایر زنان روستایی قرار گیرند.
- * افزایش کیفیت ارتباط تسهیلگران با متخصصان و محتوای دوره های آموزشی آنان باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، و تدابیری اتخاذ شود که مطالب با روش های جدید ترویجی به تسهیلگران و زنان روستایی عرضه گردد. همچنین امکان استفاده از دانش بومی از طریق تسهیلگران در برنامه های توسعه محلی باید بررسی شود.
- * برای ایجاد فرصت های برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات بین زنان روستایی باید برنامه ریزی مناسب صورت پذیرد. در این صورت، امکان استفاده از این کانال های ارتباطی برای توسعه آموزش های ترویجی نیز امکان پذیر خواهد بود.
- * بررسی نیازهای آموزشی، ترویجی پیشنهادی تسهیلگران جهت تعیین اولویت برنامه ای - بودجه ای
- * برنامه ریزی جهت بررسی زمینه های فعالیت تسهیلگران در راستای توسعه فعالیت های اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی
- * برگزاری دوره ها، کارگاه ها و بازدیدهای آموزشی، انگیزشی مرتبط با نیازسنجی آموزشی

منابع

- * بی نام. (۱۳۸۶). زنان تسهیلاگر. سازمان جهاد کشاورزی لرستان، مدیریت ترویج و نظام های بهره برداری، امور زنان روستایی.
- * بنکدار، ط و هاشمی، ی. (۱۳۸۶). اثربخشی عملکرد و فعالیت های مروجان زن. معاونت ترویج و نظام بهره برداری وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور زنان روستایی، ناشر آوام گرافیک، تهران.
- * بنکدار، ط. (۱۳۸۲). بررسی اثر بخشی فعالیت های مروجین دو سویه زن از دید بهره برداران در آذربایجان غربی. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- * پاپلی یزدی، م. (۱۳۸۵). نظریه های توسعه روستایی. تهران: سمت.
- * حاجیلو، ف. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر موفقیت تسهیلاگران زن در ایجاد و تداوم فعالیت گروه های مستقل زنان روستایی در آذربایجان شرقی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مالعات زنان. دانشگاه الزهرا.
- * حاجیلو ف و همکاران. (۱۳۸۶). بررسی عوامل تاثیر گذار بر موفقیت تسهیلاگران زن در ایجاد گروه های مستقل زنان روستایی: مطالعه موردی آذربایجان شرقی. فصلنامه روستا و توسعه. سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- * دفتر امور زنان ریاست جمهوری وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۷۹). اطلاعات پایه درمورد زنان روستایی، تهران: مولف.
- * زرنگار، ح. (۱۳۸۵). بحثی در خصوص قابلیت ها و جنبه های ارتباطی در عملکرد تسهیلاگران بررسی و مقایسه ی دو رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) و ارتباطات مشارکتی. ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۴.
- * سوانسون، ب. و همکاران. (۱۳۸۱). بهبود ترویج کشاورزی. مترجمین: غلامحسین صالح نسب، رضا موحدی و اسماعیل کرمی دهکردی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی. دفتر مطالعات و تلفیق برنامه های معاونت ترویج وزارت جهاد کشاورزی.
- * شادی طلب، ژ. (۱۳۸۱). توسعه و چالش های زنان ایران. نشر قطره.
- * شاهرودی، ع. چیذری، م و توسلی، ب. (۱۳۸۵). تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی. ماهنامه جهاد، ش ۲۷۱.
- * شعبانعلی فمی، ح و علی بیگی، الف و شریف زاده الف. (۱۳۸۳). رهیافت ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی. انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران، تهران.
- * عربیون، الف. (۱۳۸۵). «دانش بومی: ضرورتی در فرآینده توسعه». فصلنامه روستا و توسعه. سال ۹، شماره ۱.
- * کمالی، م. (۱۳۸۰). طرح مطالعاتی روند تسهیلا سازی الگوی آزمایشی مروجین دو سویه روستایی فریدن اصفهان. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی
- * کمالی، م. (۱۳۸۵). بررسی کاربرد رهیافت ارتباط دوسویه مروجین زن روستایی. وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام های بهره برداری دفتر امور زنان روستایی - عشایری با همکاری مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی
- * کوهساریان، کرمعلی و لکزایی، صمد و نظری، ناهید. (۱۳۷۶). بررسی انواع آموزش های مطلوب و مناسب برای دختران روستایی.
- * مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.
- * معاونت ترویج و مشارکت مردمی. (۱۳۷۸). بررسی عوامل موثر بر ارتباطات دو سویه مروجین روستایی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، مجری: محمد باقر کمالی.

Identifying facilitators' role in promoting awareness and participation of rural women and girls

By : F. Asgarian, S. F. Miri, Dr. B. Khosravipour

Abstract

Achieving self-sufficiency, sustainable rural development, and agricultural development requires participation of different segments of society in economic (production), social, and cultural activities. Since women, especially rural women and girls, constitute a considerable percentage (more than half) of the active strata of society, especially in rural and agricultural segment, their participation in the production arena and economic, and social activities, deserves an authentic importance. On the other hand, young rural girls are the future women of rural society that will play such a worthwhile role and for their role in different aspects; they need knowledge, information, and skill. Hence, appropriate planning is necessary for them to achieve these abilities. One of these programs and tasks is to utilize rural facilitators, both women and girls, bearing important roles in increasing their awareness and participation. This article is prepared using library resources, journals and also Persian and Latin websites, and is trying to introduce the important role of facilitators in village as the pioneers of institutionalization of self-reliance and rural development. Meanwhile, it proceeds and emphasizes on the importance and role of rural facilitator women on boosting their participation in development programs. At last, it offers certain strategies to their entrance and success in this field.

Key words: Facilitators, Participation, Rural women